

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید  
۰۲ اگست ۲۰۱۴

## خدمت مسؤلین محترم پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"

فکر نمی کنم نیازی برای توضیح این مطلب که این ماشین باید شکسته شود و این سیستم باید عوض گردد، وجود داشته باشد. اما فراموش نشود که با از بین رفتن این ماشین، برای پیشبرد تمام برنامه های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - نظامی - بین المللی خود، ما نیاز به ماشین دیگری خواهیم داشت؛ و اگر این ماشین وجود نداشته باشد، همه چیز، همه تلاش ها، همه آرزو ها و امید های خوب و انسانی ما از بین خواهند رفت.

به نظر من، اگر آزادی داشتن و ارائه نظری را داشته باشم، بهتر است اول ماشینی را که ما در نظر داریم بسازیم، و بعد از آن به تخریب ماشین موجود بپردازیم.

دهقانی را در نظر بگیرید که قطعه زمینی را با وسائل سنتی قلبه می کند. تخم می پاشد و ماله می کند و آب می دهد و زمانی که گندم پخته می شود با داس درو کرده خرمن می کند و با گاو و چپر و شاخی آن را از کاه جدا کرده به وسیله مرکب به آسیاب می رساند و در آسیاب آبی که هزاران نسل پیش از خودش به آرد کردن کندم پرداخته اند، کندمش را آرد می کند.

من هم آرزو دارم که این سیستم کهنه دوران بابای آدم از بین برود. در این جا شما برای کدام کار اولویت قائل خواهید شد؟ آیا اول بیل و گاو آهن و داس و چپر و شاخی و مرکب و آسیاب آبی را که وسایل کار دهقان مورد نظر ما را تشکیل می دهد از بین می برید، یا پیش از این که این وسایل را از بین ببرید یک ماشین "کامیاب" برای آن

مرد بدبخت و بینوا فراهم می نمائید و او را برای استفاده از این ماشین آموزش می دهید؟

من ضرورت وجود چنین یک ماشینی را به جای ماشین موجود صد در صد هم احساس می کنم و هم تأیید می نمایم، اما واقعیت این است که ما گذشته از آشنائی به طرز کار و کم و کیف ماشین مورد نظر خویش، به داشتن این ماشین و داشتن آگاهی از حفظ و مراقبت آن نیز احتیاج داریم.

در جهان امروز اهمیت آگاهی و علم به آنچه برای ما خوب است، همراه با شناخت همه بدی ها، برای داشتن یک زندگی انسانی، عادلانه، عاری از استثمار و استعمار، مستقل و حاکم بودن به سرنوشت خویش، اگر اشتباه نکنم، آرزوی همه انسان های مانند من و شما است، منتها به نظر من، تنها اندیشه ها و تلاش های من و شما یا یک تعداد محدود انسان های بادرده، درست کار، مترقی، مخالف بی عدالتی ها و نظام غیرانسانی سرمایه داری، در حال حاضر، برای نصب ماشین مورد نظر من و شما به جای ماشینی که باید شکسته شود، کافی نیست.

به وضعیت تشکیلاتی خود نگاه کنید. دیگران، از ظاهر و داوود و تره کی و حفیظ و کارمل و مجددی و ربانی و طالب و کرزی، کسانی که من هیچ گاه شما را با آن ها مقایسه نمی کنم، چون به گفتار تان باور دارم، باوجودی که هنوز از کار عملی حکومت داری تان تجربه ای در دست نیست، همه هم تجربه کرده اند و هم تجربه شده اند. تنها کسانی که در این کشور و طی سده های ۲۰ و ۲۱ نه در قدرت بودند و نه مردم از آن ها و کار حکومت داری شان تجربه ای دارند، شما هستید. برای شفاف صحبت کردن خود پیش از پیش معذرت می خواهم و شما هم همین حالا عملاً به بیست تکه و پارچه تبدیل شده اید. شما وقتی قادر نیستید این بیست تکه و پارچه را با هم یکی کنید، چگونه می توانید این ملت آشفته و سرگردان را با هم یکی کنید؟

افغانستان را با این همه مسأله و مشکل و مردم بی علاقه به سرنوشت شان، تنها یک گروه نمی تواند آزاد و آباد کند و عدالت را در آن برقرار سازد. آباد ساختن و آزاد کردن افغانستان به نیروی همه مردم این کشور نیاز دارد. همه مردم باید برای تغییر و برای پاسداری از تغییری که ما طالب آن هستیم، و اگر روزی قادر به بمیان آوردن آن شدیم، باید آگاهانه و از روی میل و شناخت عمیق ضرورت این تغییر، در کنار هم قرار گیرند. من و شما ها - همه ما - به خوبی می دانیم که ما این نیروی عظیم و کارآ و مورد نیاز را در کنار خود نداریم.

من نمی خواهم خود را فریب بدهم؛ همچنین نمی خواهم با سخنی که هیچ درست نیست، دیگران را فریب بدهم. من فکر می کنم که یک اندیشه، یک طرز تفکر، یک عمل و یک رویداد می تواند سرنوشت ملت ها را تغییر بدهد. اگر اندیشه درست، معقول، کارآ، به وقت و با لوازم مناسب، برای تغییری به کار برده شود، من یقین دارم که نتیجه آن به سود ما و به سود مردم خواهد بود؛ در غیر آن همه چیز از هم می پاشد.

عاقبت حکومت های ظاهرخان و داوود و تره کی و امثال وی و مجددی و ربانی و کرزی و کسانی که پیش از این ها بودند و حکومت کردند و با مصیبت ها روبه رو شدند، برخی هم سرهای شان را در این راه از دست دادند، برای این، چنان تلخ بود که هیچ کدام تکیه به ملت نداشت و معیارها و نیازهای لازم و عملی و علمی را برای یک حکومت کامیاب در نظر نگرفت.

من از مستخرجات و تجاربی که طی این همه سال به دست آورده ام، به این اعتقاد رسیده ام که اولین وظیفه هر انسانی واقعاً دموکرات این است که با صداقت و شفافیت در قدم اول به بیداری زمان شمول مردم پردازد و از امکانات دست داشته خود برای عبور از مشکلات مرحله ای و زمانی استفاده کند.

به همین دلیل، باوجود این که به سوسیالیزم عمیقاً باور دارم، در شرائط فعلی، با همه مشکلات بهداشتی که دارم، بی طرفانه به مسائلی می پردازم که من نظر به نیاز زمان گفتن آن را نسبت به هر چیزی دیگر ضروری می بینم.

من می خواهم که اول ماشین مورد نظر خود را مهیا و فعال سازم. هر زمانی که این ماشین مهیا و فعال شد، مطمئن باشید که اولین کسی که چکش را برای ویران کردن ماشین موجود بر می دارد، همین پیر مرد شکسته و ریخته و دردمند خواهد بود؛ اگر زندگی باشد!

۲۰۱۴/۰۸/۰۱

#### **یادداشت:**

با عرض احترام خدمت همکار گرانقدر پورتال آقای «سدید»، باید بیفزائیم: از آنجائی که مخاطب شما مسؤلین پورتال می باشد، ما ضمن نشر نامه، آن را به آدرس تمام متصدیان پورتال نیز فرستادیم، امیدواریم از این که خود مبادرت به پاسخدهی ننموده ایم، دال بر بی احترامی ما نسبت به شما تلقی

نگردد. با اطمینان نوشته می توانیم که متصدیان پورتال نامه جنابعالی را با غور کامل مطالعه نموده، بحث خویش  
را ادامه خواهند داد.  
شاد و پیروز باشید

اداره پورتال AA-AA